آینه

رفع حصر؛ یک راه و ۲ پایان

● **عبدالله گنجی:** آتش تهیه شدید اصلاح‌طلبان و رسانه‌های غربی همسو- به‌خصوص بی‌بی‌سی- نشان از سناریویی است که می‌خواهد اولین ثمره انتخاب روحانی را رفع حصر معرفی کند. اما رفع حصر الزاما به پایان مدنظر اصلاح‌طلبان ختم نخواهد شد. بعد از هزاران توییت، پست، موضع و برنامه تلویزیونی در رسانه‌های غربی درصدد ارائه چهره‌ای مثبت از نظام در فردای رفع حصر برآمدند. انگاره ذهنی آنان این است که نظام رفع حصر را به‌مثابه «ضربه به اقتدار» خود می‌داند لذا درصدد برآمدند انجام رفع حصر را «قهرمان‌شدن نظام» معرفی کنند... نظام به پاس زحمات این افراد برای گذشته کشور، مصلحت را در تقلیل جرم به «حصر رسانه‌ای» دانسته است، لذا اصرار اصلاح‌طلبان به رفع حصر با توجه به جرم این افراد، الزاما به آزادی منجر نخواهد شد و ممکن است نظام با لبیک به خواسته اصلاح‌طلبان پایان حصر و شروع محاکمه را آغاز کند که شاید ناخوشایندتر از امروز باشد. اگرچه اکنون هم بخشی از اصلاح‌طلبان که در معارضه با نظامند، نان حصر را چرب‌تر از نان رفع حصر می‌دانند و به طریق اولی اعدام را آورده بهتری برای خود می‌دانند. بدون‌تردید بخش خارج از نظام اصلاحات اعدام را مطلوب خود و آن را به مثابه «مسئله‌ای بحران‌ساز» برای نظام و قابل بهره‌برداری می‌داند. این جماعت که آرزویی جز تولید بحران برای نظام ندارند منتظر اعدام هستند و عوایدی را برای خود در فردای آن تعریف کرده‌اند. آنان خونخواهی را برای معارضه با نظام مفیدتر از مطالبه رفع حصر می‌دانند. اگر آنان دلسوز این سه نفر هستند و در این مسئله صداقت دارند نظام را به سمت اعدام هل ندهند...

کیهان

از دمشق تا بارسلون!

● **جعفر بلوری:**... حدود پنج سال پیش و زمانی که، غائله «داعش» و «تکفیری‌ها» را ساختند و این سگ‌های هار را به جان مردم انداختند، غرب هیچ اقدامی- تأکید می‌شود هیچ اقدامی- برای جلوگیری از هجوم تکفیری‌های چشم‌آبی از کشورشان به منطقه غرب آسیا نکرد چراکه برای این پروژه سنگین، به نیروی انسانی نیاز داشت، و از طرفی می‌خواست غرب را از لوث وجود چنین موجودات پلیدی پاک کند. استراتژیست‌هایی مثل کیسینجر که احتمالا راه‌اندازی غائله داعش نیز زیر سر چنین موجوداتی است، شاید، به اینجای کار فکر نکرده بودند که اگر این پروژه شکست خورد و تکفیری‌ها خواستند به خانه‌هایشان برگردند، چه خواهد شد. البته شاید فکر اینجای کار را هم کرده باشند اما جان مردم برایشان اهمیتی نداشته است. حادثه بارسلونا در یک کلام، نتیجه شکست پروژه داعش در غرب آسیا و پیروی از سیاست‌های امثال هنری کیسینجر است... پیروزی ترامپ در آمریکا در کنار سیل پناه‌جویان فراری از چنگ داعش به غرب، به نژادپرستانی که مثل داعش آدم می‌کشند، جان تازه‌ای داده و غرب را وارد بحران‌های تازه‌ای کرده است...

وطن امروز

حرمت نان و نمک نمایندگان و وزرا!

● **امیر استکی:**... جناب زنگنه همین چند روز پیش اعلام کردند در وزارت نفت امکان جذب همه فارغ‌التحصیلان دانشکده نفت وجود ندارد و فقط نخبگان و افراد برتر جذب خواهند شد. این حرف در یک فضای رقابتی به‌هیچ‌وجه حرف بدی نیست ولی در شرایطی که می‌بینیم نمایندگانی که سابقا حامی جناب وزیر بوده‌اند به‌یکباره به مناصب بالای وزارت نفت می‌رسند، حرفی بسیار بد و عین بی‌عدالتی خواهد بود و ما حق خواهیم داشت که در برابر این بی‌عدالتی زبان به اعتراض باز کنیم. اما آیا نمایندگان مجلس در سطحی از توان مدیریتی و لیاقت نیستند که جذب آنها در وزارت نفت سؤال‌برانگیز نباشد؟ شوربختانه باید پاسخ داد در اکثر موارد در این سطح نیستند. برونداد رفتارهای نمایندگان محترم در صحن علنی مجلس، چیزی جز عدم توانمندی‌های ممتاز نیست...

وقایع اتفاقیه

ضرورت سنجش کارآمدی در لحظات آخر

● **نادر هوشمندیار:**... دولتی که وزرایش با چیزی غیر از سنجش کارآمدی راهی وزارتخانه شوند، حتما دردسرهای بزرگی را به وجود خواهد آورد. فراموش نکنیم که دولت یازدهم و بعد از آن دولت دوازدهم پس از افتادن و ضربه‌خوردن‌های سخت توسعه بین سال‌های ۸۴ تا ۹۲ سکان هدایت را در اختیار گرفت. برای همین چهار سال آینده بهترین زمان یا شاید بشود گفت تنهاترین زمان برای ساختن توسعه به‌گونه‌ای است که یک‌بار دیگر جریان فرار از ناکارآمدی به خطا در تور دولتی شبیه دولت نهم و دهم نیفتد. ازاین‌رو، بر مجلس واجب است که فقط با ملاک کارآمدی، وزرای پیشنهادی را (که در سابقه و کارآمدی آنها هیچ شکی نیست اما فرایند رأی اعتماد باید بدون آلایندگی طی شود) مورد سنجش قرار دهد که از فردا نه وقت دولت را با بهانه‌های خود بگیرد و نه شرایط را به‌گونه‌ای شکل دهد که چهار سال بعد جریان اعتدال و اصلاح گرفتار چه کنم چه کنم شوند.

politics@sharghdaily.ir

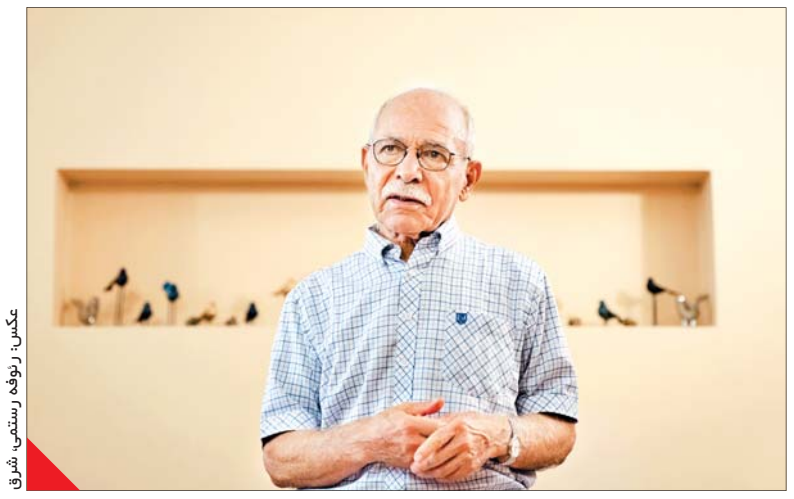

عکس: رنوفه رستمی، شرق

حبیب‌الله پیمان از سال ۳۲ می‌گوید

در زندان کودتاچیان

فرزانه آئینی: «پس از کودتا» عنوان خوبی است برای آنچه در گفت‌وگوی قریب به ۷۰ دقیقه‌ای ما با حبیب‌الله پیمان گذشت. او شاهد عینی حوادث قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد است و به‌همین‌دلیل بازخوانی این برگ از تاریخ معاصر کشور از نگاه او متفاوت و شایان‌توجه است. پیمان آن روزها ۱۸ساله بوده و دبیر شاخه دانش‌آموزی حزب «مردم ایران». جوانی پرشور و باانگیزه در پی تحقق دموکراسی در ایران که پس از کودتای ۲۸ مرداد برای به‌ثمرنشاندن این باورش جدی‌تر فعالیت کرده است. «بررسی حال‌وهوای شهر پس از کودتا»، «بازخوانی علل شکست کودتا»، «بررسی شخصیت دکتر مصدق و نقدهایی که به شخصیت او وارد می‌شود»، «بررسی جایگاه آیت‌الله کاشانی و نقش‌آفرینی ناخواسته او در به‌ثمررسیدن کودتای ۲۸ مرداد» و «بررسی ریشه‌های اختلاف دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی» از جمله محورهای گفت‌وگوی «شرق» با پیمان است که در پی می‌آید.

در برخی روایت‌ها و خبرها آمده شما از بازداشت‌شدگان شب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوده‌اید، کجا و چطور بازداشت شدید؟

نه، به این صورت نبود، من درآن ایام در تهران به‌سر می‌بردم. در حالی که در اصل در شیراز سکونت داشتم. در سال وقوع کودتا دانش‌آموز سال ششم دبیرستان و عضو حزب «مردم ایران»، معروف به خداپرستان سوسیالیست در شیراز بودم. برای تعطیلات تابستانه در تهران بودم که کودتای ۲۵ مرداد اتفاق افتاد. فردای شکست کودتای اول، همراه آقای حسین راضی از رهبران حزب به تبریز رفتیم.

قرار بود علاوه بر بازدید از شعب حزب در آذربایجان، چند میتینگ سیاسی نیز در محکومیت کودتا و حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق برگزار شود. بعد از برگزاری میتینگ در تبریز صبح چهارشنبه ۲۸ مرداد با قطار عازم بندر شرفخانه در کنار دریاچه ارومیه شدیم تا از آنجا با لنج به ارومیه برویم. پیش از رسیدن به بندر، خبر کودتا پخش شد؛ همراه با شایعه کشته‌شدن دکتر فاطمی و قیام مسلحانه قشقایی‌ها ضد کودتاچیان. از ادامه سفر منصرف شدیم و در یکی، دو روز مخفیانه به تهران برگشتیم.

شب ۲۹ مرداد سال ۱۳۳۲ و یک شب بعد کودتا به تهران رسیدید؟

بله، سربازان و تانک‌های ارتش در تمام سطح شهر پراکنده بودند و دارودسته شعبان بی‌مخ و اعضای دو حزب فاشیستی سومکا و آریا به دفاتر احزاب، روزنامه‌ها و نشریات طرفدار نهضت ملی حمله‌ور شده بودند و تخریب و غارت می‌کردند. باشگاه حزب مردم ایران نیز به دست همین افراد که دفترشان در همان نزدیکی در میدان بهارستان ابتدای خیابان ژاله قرار داشت، تخریب و غارت شده بود. بازداشت‌ها به‌طور گسترده در سطح شهر ادامه داشت. بسیاری متواری و مخفی شدند. من هم بعد از چند روز اقامت مخفیانه به شیراز برگشتم.

اوضاع و حال‌وهوای تهران پس از کودتا چگونه بود؟

دو روز بعد از کودتا از تبریز به تهران رسیدیم. فکر می‌کنم صبح ۳۰ مرداد بود که همراه دو نفر دیگر از اعضای حزب «مردم ایران» برای کسب آگاهی از آنچه در شهر می‌گذرد، به راه افتادیم.. دفاتر احزاب و باشگاه‌های سیاسی که بیشتر در اطراف میدان بهارستان و خیابان‌های منتهی به آن قرار داشتند، همه مورد حمله قرار گرفته بودند، جلوتر از همه به دفتر روزنامه «باختر امروز» حمله شده و تخریب شده بود. اما محوطه خانه دکتر مصدق از فاصله چندصدمتری دیگر در محاصره نیروی انتظامی بود و اجازه نمی‌دادند کسی نزدیک شود. شهر، چهره‌ای آشفته و مضطرب داشت. اوباش در سطح شهر شعار جاوید شاه و مرگ بر مصدق سر می‌دادند و فضا ملتهب و مردم در بهت و اندوه ناباورانه ناظر پیروزی و شادی کودتاچیان بودند.

طرفداران مصدق چه زمانی به خیابان‌ها آمدند و اعتراض کردند؟

علاوه بر نیروهای متشکل در احزاب، دانشگاه و بازار دو پایگاه اصلی و پرقدرت نهضت ملی محسوب می‌شد. دانشگاه که تعطیل بود و تا اواسط مهر هم بازگشایی نشد اما چند روز بعد از فردای کودتا و بعد از انتشار نخستین بیانیه نهضت مقاومت ملی با عنوان «نهضت ادامه دارد»، دانشجویان و فعالان احزاب ملی در خیابان‌ها و کوچه‌های شهر در اطراف بازار و در محله‌های بیشتر جنوبی، تظاهرات خیابانی را کلید زدند اما تظاهراتشان پراکنده بود و بیشتر حالت تجمع و گریز داشت. آن روزها اصطلاحا به این سبک تظاهرات، تظاهرات موضعی گفته می‌شد. با قرار قبلی درگروه‌های ۴۰ تا ۵۰ نفره در نقطه‌ای شلوغ در یکی از خیابان‌های مرکزی جمع می‌شدیم. با سردادن چند شعار در حمایت از دکتر مصدق، توجه عابران را جلب و سپس یک نفر چنددقیقه‌ای برای آنها صحبت می‌کرد و معمولا پیش از رسیدن نیروهای امنیتی و بعد از پخش تراکت‌های تبلیغاتی پراکنده می‌شدیم. سپس در محل قرار بعدی به‌طور پراکنده و نامحسوس گرد می‌آمدیم و همان برنامه تکرار می‌شد. بعضی وقت‌ها هم مأموران مخفی در میان جمعیت که ناظر جریان بودند، نشانی‌های بچه‌ها را به نیروهای امنیتی می‌دادند و باعث دستگیری آنها می‌شدند.

در شیراز چه شد؟

اوایل شهریور به شیراز برگشتم. بلافاصله کار چاپ و تکثیر بیانیه‌ها را شروع کردیم. یکی از مکان‌هایی که بیانیه‌ها تکثیر می‌شد، منزل ما در شیراز بود و این کار به روش خیلی ابتدایی و با استفاده از حروف سربی، مرکب و یک وردنه آشپزخانه انجام می‌شد. ما شب‌ها بیانیه‌ها را تکثیر می‌کردیم و صبح که می‌شد، ابزار کار را در باغچه خانه خاک می‌کردیم. اولین بیانیه ما هم در ۳۰ مرداد تکثیر و پخش شد. متن این بیانیه خیلی کوتاه و شعارگونه با این عنوان بود که «نهضت ادامه دارد». ما دسته‌دسته به میتینگ‌های خیابانی می‌رفتیم و پس از سخنرانی‌های کوتاهی تراکت‌ها را بین مردم پخش می‌کردیم و متواری می‌شدیم.

متن بیانیه‌ها را چه کسی به شما می‌رساند؟

بیانیه‌ها یا از مرکزیت حزب مردم ایران و نهضت مقاومت ملی می‌رسید و ما آنها را مخفیانه تکثیر و توزیع می‌کردیم یا خودمان در شیراز تهیه و با امضای شعبه حزب در شیراز پخش می‌کردیم. شروع فعالیت نهضت مقاومت هم به این ترتیب بود که یک یا دو روز بعد از کودتا مرحوم نخشب دبیر «حزب مردم ایران» یا همان «حزب خداپرستان سوسیالیست» به همراه آقای شاه‌حسینی به دیدار آقاسیدرضا زنجانی از رهبران روحانی نهضت ملی و روحانیون سرشناس حامی مصدق می‌روند تا در مورد چگونگی فعالیت‌ها تصمیم‌گیری کنند. از بقیه احزاب هم دعوت می‌کنند نماینده بفرستند؛ همان‌جا متن اولین بیانیه تنظیم می‌شود. بحث می‌شود که تحت چه نامی فعالیت کنند، نخشب عنوان «نهضت مقاومت ملی» را با اقتباس از نهضت مقاومت ملی فرانسه ضد اشغالگران آلمانی فاشیست پیشنهاد می‌کند که موافقت می‌شود که برای استمرار مبارزه علیه کودتا بود. همان‌جا هم قرار بر این می‌شود که نمایندگان چهار حزب طرفدار دکتر مصدق، حزب ایران، حزب «بنیاد پان‌ایرانیست»، «خداپرستان سوسیالیست» - جمعیت آزادی مردم ایران (که بعدا تبدیل به حزب مردم ایران شد) - حزب نیروی سوم که منشعبین از حزب «زحمتکشان» دکتر بقایی بودند، برای تعیین شورای مرکزی حزب نهضت مقاومت ملی دعوت شوند و کار رسما شروع شود. اعتصابات بازار، تظاهرات خیابانی و... دستاوردهای بعدی نهضت بود. با بازشدن مدارس در مهرماه، بیانیه‌ها را معمولا صبح زود روی نیمکت دانش‌آموزان می‌گذاشتیم و شعاری هم روی تخته سیاه نوشته و پیش از آمدن محصلان کلاس را ترک می‌کردیم. وقتی کودتا شد، من کلاس ششم دبیرستان بودم و بعد از گذشت سه سال از فعالیت در حزب در سمت دبیر شاخه دانش‌آموزی حزب فعالیت داشتم. با توجه به اینکه تا قبل از کودتا فعالیت‌های ما رسمی و آشکار بود، برای مأموران امنیتی فردی ناشناخته به حساب نمی‌آمدم. بنابراین یکی، دو هفته بعد از توزیع تراکت و بیانیه در کلاس‌های درس اواسط مهرماه بود که یک روز صبح مأموران به دبیرستان آمدند و من را بازداشت کردند. آن ایام ارگ کریمخانی شیراز را تبدیل به زندان کرده بودند و زندانیان سیاسی را به آنجا می‌بردند. بعد از مدتی برادرم و سپس پدرم را هم بازداشت کردند و به آنجا بردند و برای افزایش فشار روانی مدام من را تهدید به بازداشت مادرم می‌کردند.

چند وقت در زندان بودید؟

پدرم یک ماه بازداشت بود، برادرم هم کمی زودتر آزاد شده بود و او را از شیراز به شهرهای جنوب شیراز تبعید کرده بودند. اما من تا قبل از برگزاری امتحانات نهایی دبیرستان فکر می‌کنم خردادماه سال ۱۳۳۳ در بازداشت بودم که به امتحانات رسیدم و به‌خاطر حمایت مدیر و معلمان مدرسه توانستم در این امتحانات شرکت کنم.

روزهای زندان چگونه گذشت؟

ارگ کریمخانی آن ایام به زندان تبدیل شده بود. فرماندار نظامی شیراز شخصی به نام سرهنگ کوپال بسیار سختگیر و خشن بود. روزهای سختی بود. ما در اتاق‌های دورتادوری که در ارگ وجود دارد، نگهداری می‌شدیم. تعداد بازداشت‌شدگان حوادث سیاسی آن روزها هم بسیار زیاد و اتاق‌ها شلوغ بود. اما برای سختگیری دو، سه هفته‌ای ما را به‌عنوان انفرادی در اتاقکی سیاه و تنگ در طویله که برای نگهداری اسب بود، می‌بردند و رها می‌کردند تا فشار بیشتری بر ما وارد کنند. در زندان روحیه‌ها خیلی بالا بود و شعار ما هم این بود که «مصدق نخست‌وزیر قانونی است». ما در ایام زندان شعر می‌خواندیم و نمایش‌نامه و سرود اجرا می‌کردیم؛ گاهی هم پاسبان‌ها حمله می‌کردند و بساط ما را به‌هم می‌زدند. آن روزها شور و هیجان خیلی بالا بود و فکر نمی‌کردیم فضای بعد از کودتا به‌زودی به‌هم می‌خورد.

شعار «مصدق نخست‌وزیر قانونی است» تا چه زمانی ادامه داشت؟

همه‌جا این شعار بود اما فکر می‌کنم بعد از محاکمه و تبعید و حصر دکتر مصدق این شعار کم‌رنگ شد و کم‌کم شعار جبهه ملی و نهضت مقاومت به شعارهایی مانند حکومت ملی تغییر کرد.

شما هم کودتای ۲۵ مرداد و هم فضای کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ را دیده‌اید، چه شد که کودتای ۲۵ مرداد شکست خورد اما سه روز بعد کودتای ۲۸ مرداد به ثمر نشست؟ در این سه روز چه اتفاقی افتاد که منجر به محصورشدن دکتر مصدق و خلع او از نخست‌وزیری شد؟

موفقیت کودتا ضد دولت ملی دکتر مصدق عوامل درونی و بیرونی متعددی داشت که باید همه در کنار هم دیده و خوانده شوند. یک عامل مخالفان داخلی بودند که خودشان به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ یک گروه آنهایی بودند که قبلا با نهضت ملی همراه بودند و بعد جدا شدند و مخالفت را آغاز کردند؛ در رأسشان اول دکتر بقایی و حایری‌زاده و سپس حسین مکی بودند و توانستند آیت‌الله کاشانی را هم به مخالفت با دکتر مصدق برانگیخته و جذب گروه خود کنند. آنان با قرارگرفتن در صف مخالف در صفوف نهضت ملی شکاف انداختند. گروه دوم هم از ابتدا مخالف نهضت ملی‌کردن نفت و دکتر مصدق بودند که یا عناصر وابسته به انگلیس بودند که به آنها اصطلاحا «آنگلوفیل» می‌گفتند؛ مثل برادران رشیدیان که رسما با انگلیسی‌ها همکاری جدی داشتند، به اضافه عناصر هزار فامیل که در ایران حکومت می‌کردند و تقریبا تحت حمایت انگلیس و نفوذ دربار در آن زمان بودند. یک گروه هم فداییان اسلام بودند که بعد از ترور رزم‌آرا و با نخست‌وزیرشدن دکتر مصدق وی را برای اجرای برخی احکام شرع مثل تولید و فروش مشروبات الکلی زیر فشار قرار دادند. روشن بود که در آن شرایط دشوار و پرآشوب و محاصره اقتصادی و تنگنای مالی قبول این درخواست به مصلحت کشور و نهضت ملی نبود و آنها تا مساعدشدن اوضاع صبر می‌کردند و حتی آیت‌الله کاشانی هم آنها را به دلیل پافشاری بر این خواسته و تضعیف دولت و نهضت ملی سرزنش می‌کرد. آنها پذیرفتند و رابطه‌شان با کاشانی هم بر هم خورد. با وجود این، مخالفت‌ها تأثیری جدی در تضعیف پایگاه اجتماعی دکتر مصدق و نهضت ملی ایجاد نکرد. محبوبیت دکتر مصدق و حقانیت نهضت ملی آن‌قدر روشن و گسترده بود که کسی در اثر این مخالفت‌ها از ادامه مبارزه منصرف نمی‌شد. به‌عنوان مثال، تا وقتی آیت‌الله کاشانی با ملی‌شدن صنعت نفت همراه بود، محبوبیت و نفوذ کلامش سراسری بود، اما بعد از شروع مخالفت با دکتر مصدق، از محبوبیت و نفوذ کلامش به شدت کاسته شد، به طوری که دعوت وی از مردم به اعتصاب سراسری در مخالفت با مصدق بی‌جواب ماند.

چه شد که آیت‌الله کاشانی در صف مخالفان دکتر مصدق قرار گرفت؟

به نظر من، مخالفت آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق در اصل سیاسی نبود، بلکه ریشه در روحیات شخصی و روان‌شناختی وی داشت. او خود را رهبر بلامنازع و مقدم و برتر از دکتر مصدق تصور می‌کرد. دکتر مصدق نمی‌توانست خارج از ضوابط قانون و مصالح مردم سفارش کسی را بپذیرد یا استقلال عمل خود را از دست بدهد. همین هم سبب شکل‌گرفتن انتقادات درون‌گروهی از آیت‌الله کاشانی و نزدیکانش در جرگه طرفداران دکتر مصدق و بعدها نهضت مقاومت ملی شده بود.

دلیل مخالفت آیت‌الله کاشانی و نزدیکانش با مصدق چه بود؟

آنها می‌گفتند مصدق لجباز و خودرأی است. آنها پایبندی دکتر مصدق به استقلال و اصل حاکمیت ملت، قانون و قانون اساس مشروطیت را به لجاجت و خودسری تعبیر می‌کردند. اگر برای پیشبرد اهداف ملی و خنثی‌کردن کارشکنی و دسیسه‌های دربار و عوامل استعمار و دربار و نمایندگان وابسته به آنها در مجلس شورای ملی به نیروی ملت تکیه می‌کرد، مردم‌گرایی و استظهار به حمایت آنان را عوام‌فریبی می‌نامیدند. منتقدان می‌گفتند دکتر مصدق با کشاندن مردم و توده‌ها به عرصه اجتماعی و سیاسی می‌خواهد مجلس را دور بزند. درحالی‌که اکثریت نمایندگان با اعمال نفوذ دربار و ارتش و مالکان بزرگ به مجلس راه یافته بودند و گوش‌به‌فرمان شاه، دربار و عوامل انگلیسی سفارت و شرکت سابق نفت عمل می‌کردند. مجلس آن ایام بیشتر طرفدار دربار و نظامیان و طرفداران انگلیس بود. در آن دوره، اقلیت کوچکی از منتقدان وقت حکومت درون مجلس حاضر بودند. طبیعی بود که این مجلس بنا به فشار جنبش‌های اجتماعی دکتر مصدق را به نخست‌وزیری انتخاب کرد، نه خواست و منفعت خودش. آن مجلس اصلا مجلس قابل اعتمادی نبود.

کرمیت روزولت در کتاب «کودتا» که انتشار خاطراتش از کودتای ۲۸ مرداد است هم، دقیقا چنین تصویری از مصدق ارائه می‌دهد و او را فردی پوپولیست نشان می‌دهد که سعی دارد خودش را از لحاظ جسمی پیر و بیمار جلوه دهد؟ در آن ایام، چه چیزی باعث می‌شد شما به‌عنوان یک نوجوان جذب اندیشه و شخصیت دکتر مصدق شوید؟

من فکر می‌کنم اینها چون هیچ نقطه ضعف اساسی از دکتر مصدق پیدا نکردند، ناگریز به این نوع برچسب‌های بی‌پایه متوسل شدند. ۶۰ سال است مخالفانی از سلطنت‌طلب و مرتجع یا نولیبرال و مدرن، خودی و بیگانه ضد دکتر مصدق می‌نویسند و دروغ‌پراکنی می‌کنند. مخالفان، دکتر مصدق را به عوام‌فریبی و خودسری و ابتلا به «روان‌نژندی» معرفی می‌کنند، می‌گویند مصدق از نظر شخصی و روانی با انگلیس‌ها مشکل داشته، آدم ترسویی بوده که تظاهر به شجاعت می‌کرده است، اما تکرار صدباره این اراجیف نتوانست ذره‌ای از اعتماد، عشق و علاقه مردم به وی را بکاهد. هرکس می‌خواهد بداند این توصیفات تا چه اندازه از روی غرض یا جهل است، باید منش و سبک زندگی و تاریخچه حیات سیاسی وی را نه در یک یا دو موقعیت، بلکه در طول زمان و در همه عمر بررسی کند. چون هرکس می‌تواند اینجا و آنجا ظاهرسازی کند و نقش بازی کند، اما نمی‌تواند در تمام دوران زندگی خود به چیزی که نیست و صفت یا هنری که ندارد تظاهر کند و اعتماد مردم را برای مدت درازی حفظ کند. در کشوری که از گذشته دور تا به امروز برای یافتن یک مقام ناآلوده به فساد و دروغ‌زنی، باید چراغ برداشت و در تاریکی شب و در نظام اداری آن جست‌وجو کرد، دیده نشد که در پاک‌دستی و تقوای سیاسی و اخلاقی دکتر مصدق عالمانه و از روی صدق نیت تردید شود. وی حتی از پول خودش هزینه سفرهای دوران نخست‌وزیری‌اش را می‌پرداخت و یک ریال حقوق نخست‌وزیری هم دریافت نکرد. از نظر پایبندی به قانون هم که به شدت مقید بود، تا آنجا که اجازه نمی‌داد خائنان و توطئه‌گران را بدون مدرک و حکم قضائی برای پیشگیری از اقدام به خیانت بازداشت کنند. حالا، نکته اصلی این است که بفهمیم انگیزه و دغدغه اصلی دکتر مصدق از فعالیت‌های مدنی‌اش چه بود. دکتر مصدق به این اصل رسیده بود که ایران در مسیر دموکراسی، توسعه و پیشرفت قرار نمی‌گیرد مگر آنکه به اعمال نفوذ و مداخله استعمار خارجی در شیون کشور پایان داده شود و با ریشه‌کن‌شدن استبداد، استقلال سیاسی و اقتصادی و حق حاکمیت مردم بر کشورشان محقق شود. مصدق عقیده داشت استعمار، استبداد و بی‌عدالتی، موانع اصلی در برابر گسترش آزادی و دموکراسی در ایران هستند. یک عمر تجربه و آشنایی نزدیک با سیاست و مسائل جامعه ایران، پشتوانه حقیقت مزبور بود. شکست‌های پی‌درپی در این زمینه که عمدتا ناشی از ضعف، فساد یا خیانت رجال سیاسی بود، باعث شده بود مردم غلبه‌ناپذیری استعمار، استبداد و فساد را در ایران باور کنند و اعتمادبه‌نفس خود را در کسب موفقیت در این زمینه از دست بدهند. دکتر مصدق که با برانگیختن ملت ایران به مقاومت و مقابله با این دو مانع، اعتمادبه‌خود و همبستگی ملی را دوباره به آنها بازگردانده بود، حاضر نشد با کوتاه‌آمدن در برابر فشارهای فوق‌طاقت از داخل و خارج، در امر حق حاکمیت ملت بر سرنوشتش به اعتماد مردم ضربه بزند و به آرمان و امید آنها خیانت ورزد. بعضی صاحب‌نظران مانند آقای همایون‌کاتوزیان، نویسنده کتاب «مصدق و نبرد قدرت»، مصدق را به خاطر کوتاه‌نیامدن و رد پیشنهاد بانک جهانی، سرزنش می‌کنند و همین امر را عامل سقوط او می‌دانند. کاتوزیان و هم‌نظرانش می‌گویند مصدق باید پیشنهاد بانک جهانی را می‌پذیرفت و اگر چنین می‌کرد، کودتا نمی‌شد و این نپذیرفتن را بزرگ‌ترین اشتباه دکتر مصدق در نهضت ملی و شاید بزرگ‌ترین اشتباه در زندگی سیاسی او می‌دانند و آن را به حساب لجبازی او و بعضی مشاورانش می‌گذارند. به این نکته مهم توجه نمی‌شود که در این پیشنهاد نیز حق حاکمیت ملی نقض شده بود. مصدق می‌گفت به شرط اینکه بانک به وکالت از جانب دولت ایران استخراج و فروش نفت را بر عهده گیرد، طرح پذیرفتنی است؛ در غیر این صورت، قبول آن به معنای لغو قانون ملی‌کردن صنعت نفت خواهد بود؛ نفت را از دست انگلیس‌ها گرفته و به بانک جهانی که کارگزار قدرت‌های بزرگ است، تحویل داده‌ایم. مصدق حاضر به پذیرش این خفّت و تکرار تجربه‌های تلخ گذشته و کمک به تثبیت افسانه شکست‌ناپذیری قدرت‌های استعماری به‌ویژه انگلیس‌ها نبود. از زمان قاجار و اعلام قدرت خارجی‌ها گرفته تا همان ایام، ما را در رسیدن به این آرمان ناکام گذاشته‌اند؛ به‌طوری‌که حتی وقتی کسی بیمار می‌شد، برای خنده هم که شده، می‌گفتند کار، کار انگلیس‌هاست؛ اما مصدق با حضور مردم می‌خواست این افسانه را بشکند و تنها نیرویی که داشت، قدرت مردم و حضور مردم بود. حالا این سؤال مطرح می‌شود که اگر مصدق از مردم کمک نمی‌گرفت، کدام نهاد قدرت به کمک او می‌آمد؟ مجلس، دولت یا دربار؟ بعضی در گوش نسل جدید می‌خوانند که مصدق شکست خورد، چون به آمریکایی‌ها اعتماد کرد یا چون به کاشانی پشت و دهن‌کجی کرد. هر دو دلیل بی‌اساس است؛ آمریکایی‌ها ابتدا با ملی‌کردن نفت موافق بودند، چون تسلط انحصاری انگلیس‌ها را بر منابع انرژی درهم می‌شکست و پای خودشان را به این حوزه باز می‌کرد. وقتی نفت ملی و دست انگلیس‌ها کوتاه شد، دیدند دکتر مصدق بر حق حاکمیت ملی پافشاری می‌کند و اگر موفق شود، اقدامش الگویی می‌شود برای سایر کشورهای نفت‌خیز تا برای ملی‌کردن صنایع نفت خود، دست‌به‌کار شوند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● احمدی‌نژاد: ساخت «ماهواره‌بر امید» نشان‌دهنده اعتمادبه‌نفس جوانان ایران اسلامی است

● علی باقری، معاون امور بین‌الملل دبیر شورای عالی امنیت: آمریکا برای برگزاری جشن پیروزی به ژنو آمده بود

● سلامی، فرمانده پلیس دریابانی نیروی انتظامی کشور: اسکله غیرقانونی در کشور وجود ندارد

● تأکید وزیر انرژی ارمنستان بر نقش محوری ایران در منطقه در دیدار با جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت

● رضا تقی‌پور، رئیس سازمان فضایی کشور، خبر داد: ساخت چند ماهواره دیگر تا دو سال آینده

● ابراهیم یزدی: از خاتمی گله داریم چون با رئیس‌جمهور آمریکا دست نداد

اعتماد

● سیدمحمد خاتمی: ملت از دین توسعه می‌خواهد

● هاشمی‌شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، طرح ادعاهای واهی درباره امام زمان (عج) را انحراف از فلسفه مهدویت خواند

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: علت خشک‌سالی عوامل انسانی است

● سعیدی‌کیا، وزیر مسکن‌وشهرسازی خبر داد: صدور بی‌سابقه ۸۳۰ هزار پروانه ساخت در سال ۸۶

● اسلامی، نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، اعلام کرد: کردان در اصل ۹۰، پرونده ندارد

● رحمانی، سرپرست دفتر حفاظت منافع ایران، خبر داد: ایران قصد شکایت از آمریکا را ندارد

ایران

● آیت‌الله مصباح‌یزدی: در دولت گذشته، وظیفه اسلامی تعریف نشده بود

● قشقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه: پاکستان دوره گذار را پشت سر خواهد گذاشت

● علی باقری، معاون بین‌الملل شورای عالی امنیت ملی: آمریکایی‌ها برای برگزاری جشن پیروزی به ژنو آمده بودند

● سرپرست دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن: بحث ایجاد دفتر حفاظت منافع آمریکا در تهران، در حد رسانه‌ها باقی مانده و هیچ درخواست رسمی‌ای ارائه نشده است

● شاکری، سفیر ایران در پاکستان: حل موضوع گروگان‌های ایرانی، مستلزم حوصله است

● حلمی گولر، وزیر انرژی ترکیه: برای امضای تفاهم‌نامه گازی با ایران، احتیاجی به رضایت آمریکا نداریم

آفتاب

● سیدمحمد خاتمی: شتاب لازم برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز نداشته‌ایم

● هدایت‌خواه، مخبر کمیسیون فرهنگی مجلس: نسبت به حضور مشایی در سفر به ترکیه، رئیس‌جمهور باید دقت بیشتری می‌کرد

● محسن غرویان: در حوزه‌های علمیه به مسئله فقه سیاسی توجه نمی‌شود

● مهدی سنایی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس: زیرسؤال‌بردن گذشته نظام فایده‌ای ندارد

● موسوی‌لاری، عضو انجمن روحانیون مبارز: نتیجه عدم انسجام اصلاح‌طلبان در انتخابات، شرایط امروز است

● محمدنجار، وزیر دفاع: دشمنان می‌خواهند هر دستاورد علمی کشور را نظامی جلوه دهند

جمهوری اسلامی

● آیت‌الله مرعشی‌شوشتری، عضو مجلس خبرگان رهبری، درگذشت

● هاشمی‌شاهرودی، رئیس قوه قضائیه: پرتاب موفق ماهواره موجب افتخار نظام اسلامی است

● پرویز مشرف پس از ۹ سال تکیه بر قدرت در پاکستان، استعفای خود را از طریق تلویزیون اعلام کرد

● قشقاوی، سخنگوی وزارت خارجه، در رابطه با استعفای رئیس‌جمهور پاکستان: اطمینان داریم نهادهای حکومتی کشور دوست و همسایه پاکستان با درایت دوره گذار تا انتخاب رئیس‌جمهور جدید را پشت سر خواهند گذاشت

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مقابله با پدیده خشک‌سالی نیازمند برنامه‌ریزی اساسی است

● آیت‌الله مکارم‌شیرازی: افرادی که اظهار دوستی با اسرائیل می‌کنند، نمی‌توانند جزء همکاران رئیس‌جمهور باشند

اطلاعات

● محمدنجار، وزیر دفاع خبر داد: ماهواره ملی به‌زودی در مدار زمین قرار می‌گیرد

● وزیر مسکن‌وشهرسازی: ۱.۵ میلیون واحد مسکونی در کشور در دست ساخت است

● سیدمحمد خاتمی: ملت ایران خواهان عدالت و توسعه است

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: برای تأمین غذای روزافزون کشور، نیازمند دانش روز هستیم

● آیت‌الله مکارم‌شیرازی: رژیم اسرائیل و مردم آن، هر دو مخالف اسلام و مسلمین هستند